

## بررسی رابطه هوش مالی و ریسک‌پذیری کارکنان (مطالعه‌ی موردی: شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران)

ابراهیم روستایی

وابستگی سازمانی نویسنده (شرکت راه آهن ج.ا.ا.)  
آدرس پست الکترونیک نویسنده (ebi.t65@gmail.com)

### چکیده

مقاله پیش رو در پی شناخت رابطه‌ی هوش مالی و ریسک‌پذیری کارکنان صورت پذیرفت. تاکنون تحقیقات بسیاری در خصوص هوش مالی و ریسک‌پذیری صورت پذیرفته است. در اثنای انجام این مقاله و تحقیق محقق پس از مطالعات اکتشافی در خصوص متغیرهای مورد مطالعه، اقدام به انتخاب نمونه از میان جامعه آماری مورد نظر و به روش تصادفی طبقه‌ای نمود. حجم کل جامعه بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر و تعداد نمونه مناسب با استفاده از جدول کریجس و مورگان ۳۸۴ نفر تعیین گردید. از آنجا که در این مقاله، محقق به داده‌های اولیه نیاز دارد، پژوهش میدانی می‌باشد و به این دلیل که از ابزار پرسشنامه استفاده می‌کند، پژوهشی پیمایشی است. همچنین بر اساس هدف، تحقیقی کاربردی می‌باشد. در این تحقیق ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی هوش مالی و پرسشنامه‌ی استاندارد ریسک‌پذیری فاینالی پائول (۲۰۰۰) می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند که هوش مالی و ریسک‌پذیری کارکنان مورد مطالعه دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری است. همچنین رابطه‌ی مثبت و معناداری بین ابعاد پنج‌گانه هوش مالی کارکنان و ریسک‌پذیری آنان مشاهده گردید. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد که به منظور بهبود سطح هوش مالی و همچنین ریسک‌پذیری، ابعاد، شاخص‌ها و سنجه‌های متغیرهای مزبور در نظر مدیران و مسؤولان ادارات مورد مطالعه واقع گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود طی دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مفاهیم و ضروریات هوش مالی به کارکنان آموزش داده شود.

واژه‌های کلیدی: هوش مالی، ریسک‌پذیری، حفظ پول، بودجه‌بندی، بهبود اطلاعات مالی.



کنفرانس بین المللی مدیریت  
اقتصاد و علوم انسانی  
با رویکرد اقتصاد مقاومتی، اشتغال و تولید  
International Conference on Management, Economics and Humanities  
approach resistive economy, employment and production

کنفرانس بین المللی  
مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی

## ۲- مقدمه:

همه ما با هم تفاوت‌هایی داریم. علایق و بیزاری‌های متفاوتی داریم. نقاط ضعف و قوت متفاوتی داریم. استعدادها و نبوغ‌های مختلفی داریم (کیوساکی، ۱۳۹۱: ۳۷). در طی دهه اخیر اندیشمندان مالی سعی در تبیین و یافتن علل موارد خاص با کمک از سایر علوم همانند روانشناسی، علوم اجتماعی و فیزیک بوده‌اند. از این‌رو حوزه‌های میان رشته‌ای تحت عناوین اقتصاد مالی، اقتصادسنجی مالی، ریاضیات مالی و نظریه تصمیم‌گیری شکل گرفته است. یکی از مطالعاتی که در این زمینه به سرعت گسترش یافت و تا حدودی توانست پدیده‌های مذکور را تبیین کند ادغام نظریه‌های اقتصادی با نظریه‌های رایج روانشناسی بود که تحت‌عنوان "مالیه رفتاری"<sup>۱</sup> مطرح شد. از بنیانگذاران این حوزه از دانش مالی، روانشناس مشهور دانیل کاهنمن<sup>۲</sup> است که در سال ۲۰۰۱ به خاطر ارائه مدل‌هایی برای تبیین رفتار سرمایه‌گذاران، تحت شرایط عدم اطمینان، به دریافت جایزه نوبل اقتصادی نائل شد. در الگوی اقتصادی مالی سنتی فرض می‌شود که تصمیم‌گیرندگان کاملاً عقلایی عمل می‌کنند و همیشه به دنبال بیشینه کردن مطلوبیت مورد انتظار هستند.

در برخی از مدل‌های مالیه رفتاری، عوامل اعتقاداتی دارند که به‌طور کامل صحیح نیستند. در برخی مدل‌ها نیز، عوامل اعتقادات درستی دارند ولی انتخاب‌هایی انجام می‌دهند که با بیشینه‌سازی مطلوبیت مورد انتظار سازگار نیست. ارتباط علم مالی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی که به‌عنوان روانشناسی مالی معروف شده است، به بررسی فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و عکس العمل آن‌ها نسبت به شرایط مختلف بازارهای مالی می‌پردازد و تأکید آن بیش‌تر به تأثیر شخصیت، فرهنگ و قضاوت‌های سرمایه‌گذاران بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری است. روانشناسی مالی در واقع در مقابل "پارادایم" رفتارهای منطقی سرمایه‌گذاران مطرح شده که براساس و بنیان همه مدل‌های مالی ارایه شده است.

تالر معتقد است گاهی اوقات برای یافتن پاسخی برای معماهای مالی تجربی ضروری است که این احتمال را بپذیریم که برخی از عامل‌ها در اقتصاد گاهی به‌طور کامل عقلایی رفتار نمی‌کنند که این، موضوع مالیه رفتاری است.

## ۳- بیان مسأله:

با علم به اینکه مغز ما سیستمی پیچیده<sup>۳</sup> است، چگونه می‌توانیم تصمیمات مالی هوشمندانه‌ای تحت فشار<sup>۴</sup> یا برای به دست آوردن یک فرصت عالی بگیریم؟ خوشبختانه می‌توانیم شیوه‌ای که مغز ما به موقعیت‌های مالی واکنش نشان می‌دهد را تغییر دهیم. اگرچه سیستم ما طوری تنظیم شده است که به شیوه‌ای رفتار کنیم که به دردمر مالی بیفتیم، اما مغزمان قابلیت ایجاد الگوهای واکنش و عادت‌های جدید را دارد. تحقیقات عصب‌شناسی<sup>۵</sup> اخیر حاکی از این است که مغز "تغییر پذیر"<sup>۶</sup> است. تغییر پذیری عصبی<sup>۷</sup> یعنی اینکه مغز می‌تواند تغییر کند. ما می‌توانیم عادت‌های جدیدی به وجود آوریم، به طوری که هنگام مواجهه با شرایط مالی چالش برانگیز، به شیوه‌هایی واکنش نشان دهیم که بیشترین و بلندمدت‌ترین منفعت مالی برایمان حاصل شود. با تمرین می‌توانیم واکنش‌های خاص خود را به شرایط مالی تغییر داده و واکنش‌های جدیدی را ایجاد می‌کنیم که بخش‌های منطقی مغزمان را به کار بیاندازد (هو<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱). از دیگر سو، ریسک و بازده از مهم‌ترین مفاهیم سرمایه‌گذاری می‌باشند که همواره هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری کنار هم بوده و اساس تصمیم‌گیری را شکل می‌دهند. در منابع مختلف تعاریف گوناگونی از این دو واژه صورت گرفته است. در بیانی ساده می‌توان بازده را این‌گونه تعریف نمود: "هر سهم یا هر پرتفویی از سهام، اگر در فاصله خاصی از زمان خریداری، نگهداری و فروخته شود، بازده خاصی نصیب دارنده آن می‌نماید.

1- Behavioral finance

2- Daniel Kahneman

3- Wired

4- Under Duress

5- Neuroscience

6- Plastic

7- Neuroplasticity

8- Hoe

این بازدهی، شامل تغییر قیمت و منافع حاصل از مالکیت است. اصطلاح "نرخ بازده" (یا نرخ عایدی) برای توصیف نرخ افزایش یا کاهش سرمایه‌گذاری در طول دوره نگهداری دارایی به کار می‌رود (راعی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). هم‌چنین در مباحث مربوط به تئوری‌های مالی و سرمایه‌گذاری، ریسک را به معنای "میزان اختلاف بازده واقعی یک سرمایه‌گذاری با بازده مورد انتظار آن" تعریف می‌کنند (جونز، ۱۳۸۹: ۱۶). عملکرد مالی یک شرکت بارزترین جنبه‌ی عملکرد آن می‌باشد و به نظر می‌رسد این مهم جز با داشتن کارمندانی با دانش بالا در زمینه‌ی امور مالی حاصل نخواهد شد. به طبع هوش مالی افراد در عملکرد مالی شرکت مؤثر واقع خواهد شد چرا که طبق تحقیقات صورت پذیرفته هوش مالی افراد نقش مهمی در تصمیم‌گیری آنها در زمینه‌ی مالی دارد. این چنین تصمیم‌گیری‌هایی بی‌تأثیر از میزان ریسک‌پذیری افراد نخواهد بود. معمولاً در اقتصاد و به ویژه در سرمایه‌گذاری فرض بر آن است که سرمایه‌گذاران منطقی عمل کرده، اطمینان را بر عدم اطمینان ترجیح داده و به عبارتی دیگر ریسک‌گریز می‌باشند. سرمایه‌گذاران منطقی و ریسک‌گریز در ازای قبول ریسک، انتظار دریافت بازده بیشتری دارند. درجه ریسک‌پذیری یا ریسک‌گریزی، یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر رفتار افراد به ویژه در بازارهای مالی است. ریسک‌پذیری را می‌توان "انجام هر گونه فعالیت‌هایی که دارای حداقل یک نتیجه مبهم و یا نامطمئن باشد" تعریف کرد. نتیجه مذکور ممکن است مثبت بوده و منفعتی را برای فرد به همراه داشته باشد و یا منفی بوده و فرد را با زیان مواجه سازد (فلاح شمس لبالستانی و همکاران، ۱۳۸۹). با عنایت به مطالب فوق‌الذکر، سؤالی که در ذهن محقق خودنمایی می‌کند این است که آیا اساساً بین هوش مالی و ریسک‌پذیری رابطه‌ای وجود دارد؟

#### ۴- تعریف واژه‌ها و اصطلاحات:

##### ۴-۱- هوش مالی<sup>۱</sup>:

هوش مالی بر طرف‌کننده مشکلات مالی است. به بیان ساده تر، هوش مالی آن بخش از هوش ما است که برای حل مشکلات مالی از آن استفاده می‌کنیم (کیوساکی، ۱۳۹۱: ۱۲). هوش مالی، آن هوشی است که ما استفاده می‌کنیم تا مسائل خاص خود را بر طرف نماییم. هوش مالی باعث می‌شود فرصت‌هایی را خلق و یا از فرصت‌هایی که دیگران نمی‌توانند ببینند استفاده کنیم (کیوساکی، ۱۳۹۱: ۴۳).

##### ۴-۲- هوش:

ساده‌ترین تعریفی که می‌توان از هوش کرد این است که هوش قدرت یادگیری است و قابلیت است برای سازگار کردن خود با موقعیت‌های جدید و حل مسائل تازه به وسیله استفاده کردن از تجارب گذشته و آنچه یاد گرفته شده است. عده‌ای دیگر از پژوهشگران و از جمله پیازه روان‌شناس معاصر سوپسی، هوش را به طور ساده قدرت سازگاری تعریف کرده‌اند. بعضی دیگر گفته‌اند هوش عبارت است از استعداد فرآیند تفکر انتزاعی. که اگر ما هم بخواهیم تعریف اخیر را قبول کنیم باید منکر وجود هوش در بین موجودات زنده پست‌تر از انسان شویم و این قابلیت را تنها خاص انسان‌ها بدانیم. به هر حال بدون تردید هوش با قدرت یادگیری ارتباط مستقیم دارد و به طور مسلم ارگانیسم‌هایی که یادگیری در آنها سریع‌تر و بهتر صورت می‌گیرد از هوش بیشتری برخوردار می‌باشند. به طور کلی از تعاریف مختلفی که درباره‌ی هوش می‌کنند می‌توان بدین نتیجه رسید که هوش هم قدرت یا قابلیت واحد نیست بلکه مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و استعداد‌های مختلف که بر روی هم بدانها هوش اطلاق می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هوش انسان‌ها بیشتر بستگی به قدرت یادگیری، یادآوری، مسأله‌گشایی و استدلال با کلمات دارد (شاپوریان، ۱۳۶۹: ۱۷۶-۱۸۴). هوش، به عبارت دیگر، یک مجموعه‌ای از قسمت‌های اطلاعات است که فیلتر و تجزیه و تحلیل شده است. آن تبدیل به چیزهایی که قابل کاربرد هستند شده است. هوش، آنچه مدیران نیاز دارند برای تصمیم‌گیری است، نه اطلاعات. عبارت دیگر برای هوش دانش است (الله‌یار، ۱۳۹۱: ۱۴).

##### ۴-۳- انواع هوش:

در زمینه فرآیند هوش تئوری‌های زیادی به‌وسیله تعداد زیادی از مؤلفان تحت عنوان‌های متفاوت پیشنهاد شده است، از قبیل هوش تجاری (BI)، هوش استراتژیک (SI)، هوش تکنیکی رقابتی (CTI)، هوش بازار (MI)، هوش اخلاقی، هوش سیاسی،

هوش مالی (کیوساکی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸)، هوش سازمانی، هوش فرهنگی، هوش اجتماعی، هوش هیجانی و هوش عاطفی. همچنین گاردنر با انجام دادن پژوهشهای گسترده‌ای درباره‌ی مسائل بیولوژیکی و فرهنگی مرتبط با فرآیندهای ذهنی، هفت نوع هوش را پیشنهاد کرد که با دیدگاه سنتی هوش که بیشتر بر تواناییهای زبانی و ریاضی استوار است، تفاوت دارد. گاردنر در سال ۱۹۹۹ دو نوع دیگر هوش، یعنی هوش طبیعت گرای<sup>۱۱</sup> و هوش هستی‌گرای<sup>۱۲</sup> را مطرح کرد. گاردنر معتقد است همه انسان‌ها دارای انواع مختلفی از هوش هستند که عبارتند از: هوش منطقی-ریاضی<sup>۱۳</sup>، هوش زبانی-کلامی<sup>۱۴</sup>، هوش دیداری-فضایی<sup>۱۵</sup>، هوش موسیقایی<sup>۱۶</sup>، هوش حرکتی-جنبشی<sup>۱۷</sup>، هوش بین فردی<sup>۱۸</sup>، هوش درون فردی<sup>۱۹</sup> و هوش طبیعت‌گرا<sup>۲۰</sup>. او بیان می‌دارد هر هوش نشان دهنده یک سری از توانایی‌هاست که مربوط به حل مشکلات و پرورش ثمرات فرهنگی می‌باشد. همچنین رابرت کیوساکی (۲۰۰۸) معتقد است که امروزه چند هوش مختلف وجود دارند که ما برای زنده ماندن و کامیاب شدن در جامعه به آنها نیاز داریم. سه هوش مهم عبارتند از: (هوش دانشگاهی، هوش حرفه‌ای، هوش سلامتی)

#### ۴-۴-ریسک‌پذیری:

از دیدگاه تصمیم‌گیری، ریسک‌پذیری عبارت است از "انتخاب سنجیده یک رفتار همراه با ریسک" (فیچهوف<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۴). درنگاهی کلی تر می‌توان ریسک‌پذیری را قبول خطر کردن یا پذیرفتن احتمال ضرر و زیان برای رسیدن به مقصود تعریف کرد (فلاح شمس لیاستانی و همکاران، ۱۳۸۹). اساساً واژه ریسک در حوزه مدیریت مالی به میزان زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما ریسک مفهومی است که به نوعی در همه تصمیمات ما وجود دارد. مدیریت موثر ریسک از مهمترین خصیصه‌های سازمان‌های موفق است و از دو بخش اساسی تشکیل شده است: بخش نرم و رفتاری که شامل محیط و فرهنگ ریسک سازمان می‌باشد و بخش سخت تر که شامل برنامه‌های ویژه مدیریت ریسک می‌باشد که موسسه را هدایت می‌کند. مدیریت ریسک خوب، نیازمند هر دو عنصر فرهنگ ریسک قوی و یک برنامه فراگیر در سطح سازمان می‌باشد. ریسک را می‌توان ترکیب احتمال یک رویداد و عواقب آن تعریف کرد.

ریسک و بازده از مهمترین مفاهیم سرمایه‌گذاری می‌باشند که همواره هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری کنار هم بوده و اساس تصمیم‌گیری را شکل می‌دهند. ریسک را به معنای "میزان اختلاف بازده واقعی یک سرمایه‌گذاری با بازده مورد انتظار آن" تعریف میکنند (جونز، ۱۳۸۲: ۱۶). به عبارت دیگر، ریسک عبارت است از احتمال تفاوت بین بازدهی واقعی و بازدهی پیش‌بینی شده و یا می‌توان گفت ریسک یک دارایی عبارت است از تغییر احتمالی بازدهی آتی ناشی از آن دارایی. ریسک‌پذیری می‌تواند "انجام هر گونه فعالیتی که دارای حداقل یک نتیجه مبهم و یا نامطمئن باشد" تعریف کرد. نتیجه مذکور ممکن است مثبت بوده و منفعتی را برای فرد به همراه داشته باشد و یا منفی بوده و فرد را با زیان مواجه سازد. از دیدگاه تصمیم‌گیری، ریسک‌پذیری عبارت است از "انتخاب سنجیده یک رفتار همراه با ریسک". درنگاهی کلی ترمی توان ریسک‌پذیری را قبول خطر کردن یا پذیرفتن احتمال ضرر روزیانه برای رسیدن به مقصود تعریف کرد (لطیفی، ۱۳۶۹).

- 
- 10- Kiwaki
  - 11-Naturalist
  - 12- Existential
  - 13 Logical – Mathematical
  - 14 Verbal – Linguistic
  - 15 Bodily – Kinestic
  - 16 musical
  - 17 Bodily-kinestic
  - 18 Interpersonal
  - 19 Intrapersonal
  - 20 Naturalist
  - 21- Fischhoff

## ۵-۴- انواع ریسک:

## الف- ریسک غیرسیستماتیک (کاهش پذیر یا قابل اجتناب)

آن بخش از ریسک مجموعه‌ی سهام می‌باشد که بتوان آن را از طریق تنوع بخشی (افزایش تنوع سهام مجموعه) کاهش داد. این ریسک آن بخش از کل ریسک مجموعه‌ی سهام را که مختص به یک شرکت یا صنعت خاص است، نشان می‌دهد. برخی از عوامل ایجاد کننده‌ی این ریسک عبارتند از: کالاها و خدمات تولیدی شرکت یا صنعت، اقدامات رقیبان، نوع مدیریت و ساختار هزینه‌های شرکت. بنابراین، این نوع ریسک قابل کنترل است.

## ب- ریسک سیستماتیک (کاهش ناپذیر یا غیر قابل اجتناب)

بخشی از ریسک است که نتوان آن را از طریق تنوع بخشی کاهش داد. این ریسک به عنوان عواملی به وجود می‌آید که قیمت کل سهام موجود در بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مانند تحولات سیاسی و اقتصادی، چرخه‌های تجاری، تورم و بیکاری. بنابراین، این نوع ریسک غیرقابل کنترل است.

## ۵-مدل‌های هوش مالی:

## ۱-۵-مدل هوش مالی داگ لننیک (۲۰۱۱)

داگ لننیک (۲۰۱۱) در کتاب هوش مالی خود به مطرح نمودن ابعاد هوش مالی پرداخته و ضمن معرفی این نوع خاص هوش، ابعاد آن را نیز بیان می‌نماید. در زیر داگ لننیک از هوش مالی تیتروار ارائه می‌شود:  
الف: شناخت<sup>۲۲</sup>: تأمل [اندیشیدن]<sup>۲۳</sup>: ج: طرح‌ریزی مجدد<sup>۲۴</sup>: د: واکنش<sup>۲۵</sup>

۲-۵-مدل هوش مالی رابرت کیوساکی<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۸)

رابرت کیوساکی معتقد است که وقتی هوش مالی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، به راحتی متوجه می‌شویم که پنج هوش اصلی وجود دارد که یک فرد باید به صورت یکپارچه در خود ایجاد کند تا به کمال مالی برسد و ثروتمند شود. شخصی که بر تمام این پنج هوش مالی مسلط باشد، به کمال مالی دست می‌یابد (کیوساکی، ۱۳۹۱: ۲۳). ایجاد این پنج هوش مالی ممکن است آسان نباشد و تمام عمر طول بکشد. افراد کمی برای به وجود آوردن هوش مالی و ارتقاء امتیاز مالی خود انگیزه دارند. تنها از طریق آگاهی داشتن از این هوش‌ها، می‌توانید از ۹۵٪ دیگر افراد جامعه در حل مشکلات مالی خود، بهتر عمل کنید (کیوساکی، ۱۳۹۱: ۲۶). هوش مالی به پنج دسته تقسیم می‌شود:

هوش مالی شماره ۱: پول بیشتر درآوردن ، هوش مالی شماره ۲: حفظ پول خود ، هوش مالی شماره ۳: بودجه بندی پول خود ،  
هوش مالی شماره ۴: تقویت پول خود ، هوش مالی شماره ۵: بهبود اطلاعات مالی خود

## ۶- تفاوت بین هوش مالی و هوش ذهنی در چیست؟

هوش مالی آن بخش از هوش ذهنی ما است که برای حل مشکلات مالی خود از آنها استفاده می‌کنیم. هوش مالی مقیاس سنجش آن هوش است. یعنی به این گونه است که هوش مالی خود را به صورت کمیته عددی بیان می‌کنیم.

22- Recognize

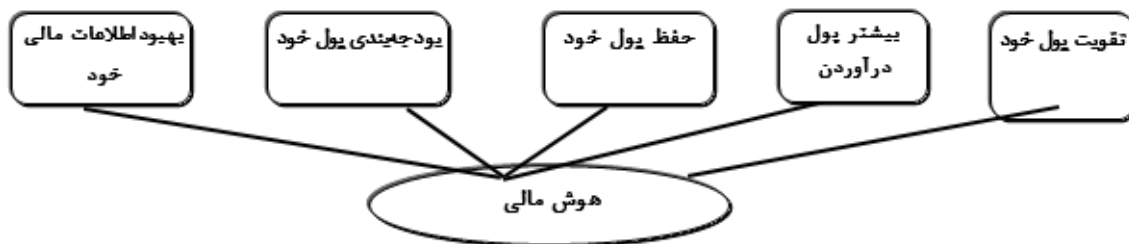
23- Reflect

24- Reframe

25- Respond

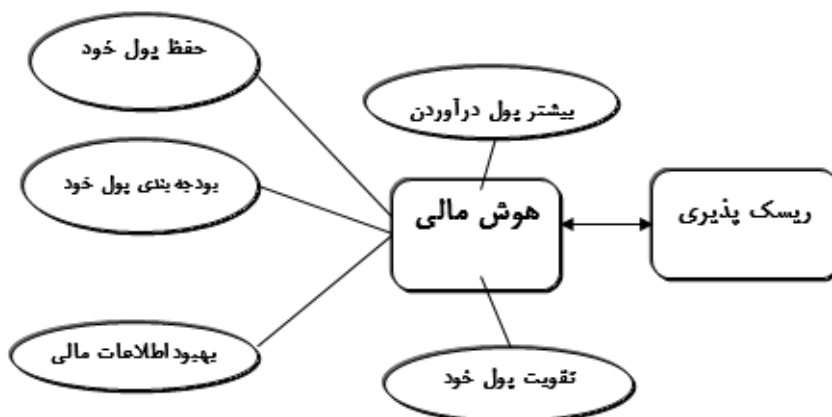
26 - Kiyosaki, Robert.T's Financial IQ Model

۷- ابعاد پنجگانه هوش مالی ارائه شده توسط رابرت کیوساکی



شکل ۱-۱: مدل هوش مالی (اقتباس از رابرت کیوساکی، ۲۰۰۸)

۸- مدل عملیاتی با عنایت به مدل های مطروحه فوق، می توان مدل عملیاتی پژوهش حاضر را در قالب شکل زیر نشان داد:



شکل ۲-۱: مدل عملیاتی تحقیق (متبع: ساخته محقق، اقتباس از رابرت کیوساکی، ۲۰۰۸)

۹- روش تحقیق: با عنایت به مطالب فوق و با توجه به اینکه نتایج حاصل از این کاوش می تواند مورد استفاده جامعه آماری مورد نظر واقع گردد؛ پژوهش پیش رو از نظر هدف کاربردی می باشد. همچنین از آنجایی که این تحقیق وصف کننده آنچه که هست (وضع موجود) نیز می باشد تحقیقی توصیفی به شمار می آید. همچنین از آنجایی که در این پژوهش از ابزار گردآوری داده پرسشنامه استفاده می شود، از نوع پیمایشی می باشد. شایان ذکر است که، پژوهشی که در دست دارید در مقطع زمانی خاصی صورت پذیرفته است؛ فلذا چنانچه از نامش بر می آید، تحقیقی مقطعی می باشد. از دیگر سو، بنابر استفاده از داده های کمی، این پژوهش را می توان پژوهشی کمی به شمار آورد.

۱۰- مکان مورد تحقیق: مکان مورد مطالعه این پژوهش شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران می باشند.

۱۱- جامعه آماری: جامعه آماری به کل گروه افراد، وقایع یا چیزهایی اشاره دارد که محقق می خواهد به تحقیق در باره آنها بپردازد (سکاران، ۲۹۴: ۱۳۹۰). با توجه به این امر، جامعه آماری این تحقیق کل کارکنان شاغل در شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران می باشد. لازم به ذکر است که تعداد کل کارکنان جامعه آماری مورد مطالعه ۱۰۷۴۸ نفر می باشد.

۱۲- تجزیه و تحلیل اطلاعات: در پژوهش پیش رو، محقق برای تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده از روش های آمار توصیفی و استنباطی بهره خواهد برد. در آمار توصیفی به منظور شناخت نمونه مورد مطالعه (آنچه که هست) از شاخص های تمرکز (میانگین، مُد، میانه) و شاخص های پراکندگی (واریانس، انحراف معیار و ماکزیمم و مینیمم) و در آمار استنباطی جهت آزمون نرمال بودن توزیع نمونه انتخابی از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و همچنین برای بررسی رابطه ی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از به تناسب برازش توزیع نمونه از ضریب همبستگی استفاده خواهد شد.

۱۳- یافته های تحقیق:

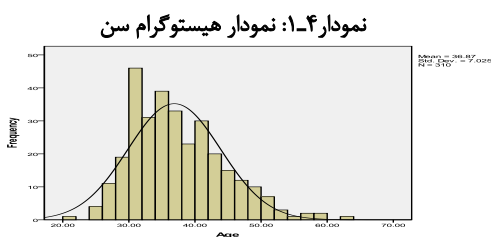
در انتها می‌بایست از میان مدل‌ها و نظریه‌های مطرح شده مدل مناسب را جهت ادامه فرآیند پژوهش برگزید. مسلماً این امر باید مستدل و قانع کننده باشد. محقق پس از مطالعات اکتشافی و بررسی ادبیات مرتبط با هوش مالی و همچنین ریسک‌پذیری اقدام به انتخاب مدل هوش مالی رابرت کیوساکی (۲۰۰۸) و مقیاس سنجش ریسک‌پذیری فاینالی پائول (۲۰۰۰) می‌نماید.

۱۴- آمار توصیفی:

در زیر آمار توصیفی متغیرهای دموگرافیک و متغیرهای مورد بررسی آمده است.

۱-۱۴- آمار توصیفی متغیرهای دموگرافیک:

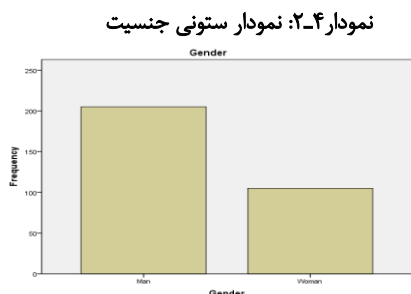
الف - سن : میانگین سن پاسخگویان برابر ۳۶/۸۷ بوده و انحراف معیار سن آنها برابر ۷/۰۲۵ می‌باشد. جدول زیر سایر معیارهای آمار توصیفی را برای سن پاسخگویان نشان می‌دهد.



جدول ۱-۴: آمار توصیفی سن

معیار	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر
سن	۳۶/۸۷	۷/۰۲۵	۳۵۳/۴۹	۲۱	۶۳

ب - جنسیت : با توجه به جدول زیر می‌توان مشاهده کرد که جنسیت ۲۵۴ نفر (۶۶/۱ درصد) از پاسخ دهندگان مرد و جنسیت ۱۳۰ نفر (۳۳/۹ درصد) از پاسخگویان زن می‌باشد.



جدول ۲-۴: جدول فراوانی جنسیت

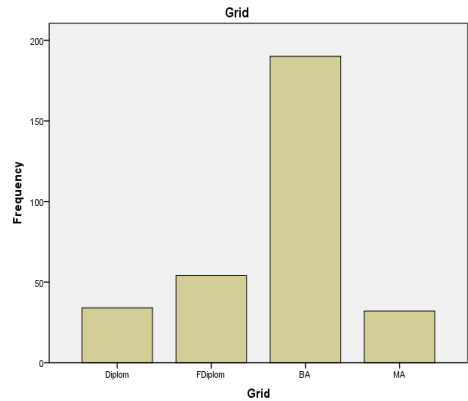
جنسیت	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی نسبی
مرد	۲۵۴	۶۶/۱	۶۶/۱
زن	۱۳۰	۳۳/۹	۱۰۰/۰
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰	

پ - تحصیلات : تحصیلات ۴۲ نفر (۱۱/۰ درصد) از پاسخگویان دیپلم، و همچنین ۶۷ نفر (۱۷/۴ درصد) فوق دیپلم، ۲۳۵ نفر (۶۱/۳ درصد) لیسانس و در نهایت نیز ۴۰ نفر (۱۰/۰ درصد) فوق لیسانس می‌باشد. هیچ یک از پاسخ دهندگان دارای مدرک تحصیلی دکتری نبوده‌اند.

نمودار ۳-۴: نمودار ستونی تحصیلات

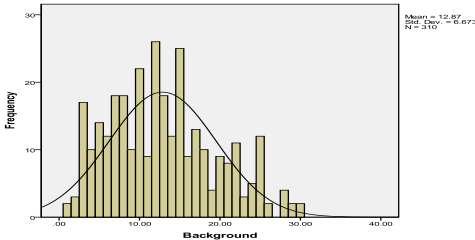
جدول ۳-۴: جدول فراوانی تحصیلات

تحصیلات	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی نسبی
دیپلم	۴۲	۱۱/۰	۱۱/۰
فوق دیپلم	۶۷	۱۷/۴	۲۸/۴
کارشناسی	۲۳۵	۶۱/۳	۸۹/۷
کارشناسی ارشد	۴۰	۱۰/۳	۱۰۰/۰
دکتری	۰	۰/۰	
جمع	۳۸۴	۱۰۰	



ت - سابقه‌ی خدمت : میانگین سابقه خدمت پاسخ دهندگان برابر ۱۲/۸۷ بوده و انحراف معیار سابقه خدمت پاسخ دهندگان آنها برابر ۶/۶۷ می باشد. جدول زیر سایر معیارهای آمار توصیفی برای سابقه خدمت پاسخ دهندگان را نشان می دهد.

نمودار ۴-۴: نمودار هیستوگرام سابقه خدمت پاسخ دهندگان



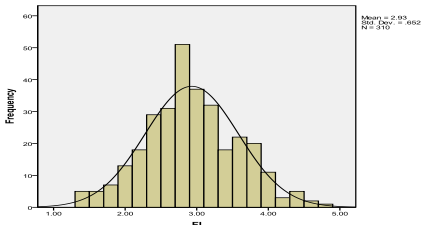
جدول ۴-۴: آمار توصیفی سابقه خدمت پاسخ دهندگان

معیار	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر
سابقه خدمت	۱۲/۸۷	۶/۶۷	۴۴/۵۳	۱	۳۰

- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

الف- آمار توصیفی هوش مالی : در نگاره زیر شاخصه های توصیفی در خصوص متغیر هوش مالی آورده شده است. در این جدول میانگین ۲/۹۵ و انحراف معیار ۰/۷۳ قید گردیده است.

نمودار ۵-۴: نمودار هیستوگرام هوش مالی

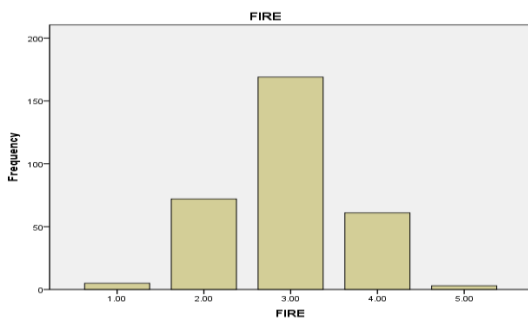


جدول ۵-۴: آمار توصیفی هوش مالی

معیار	میانگین	انحراف معیار	واریانس	میانه	مد	حداقل	حداکثر
هوش مالی	۲/۹۵	۰/۷۳	۰/۵۳۲	۳	۳	۱	۴

چنانچه پاسخ های این متغیر را رده بندی کنیم می توانیم آنها را طبقه بندی نموده و در قالب جدول زیر نشان دهیم. همان طور که می توانید مشاهده کنید بیشتر پاسخ دهندگان گزینه نه موافق و نه مخالف را برگزیده اند.

نمودار ۶-۴: نمودار توزیع فراوانی هوش مالی



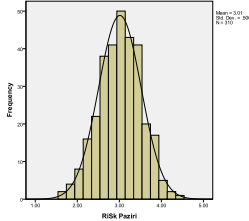
جدول ۶-۴: جدول فراوانی هوش مالی

هوش مالی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	درصد فراوانی نسبی
خیلی کم	۶	۱/۶	۱/۶
کم	۸۹	۲۳/۲	۲۴/۸
تا حدودی	۲۰۹	۵۴/۵	۷۹/۴
زیاد	۷۶	۱۹/۷	۹۹/۰
خیلی زیاد	۴	۰/۱	۱۰۰/۰
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰	



ب- آمار توصیفی ریسک‌پذیری: در نگاره زیر شاخصه های توصیفی در خصوص متغیر ریسک‌پذیری آورده شده است. در این جدول میانگین ۳/۶۹ و انحراف معیار ۰/۳۵۴ قید گردیده است.

نمودار ۴-۷: نمودار هیستوگرام ریسک‌پذیری

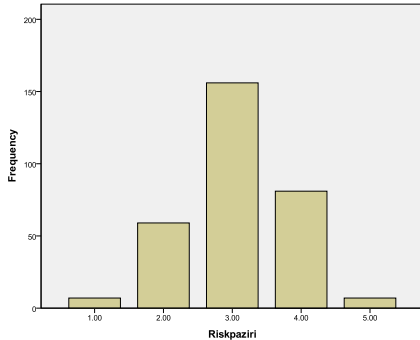


جدول ۴-۷: آمار توصیفی ریسک‌پذیری

معیار	میانگی	انحراف معیار	واریانس	میان	مد	حداقل	حداکثر
ریسک‌پذیری	۳/۶۹	۰/۳۵۴	۰/۲۱۴	۳	۴	۱	۵

چنانچه پاسخ های این متغیر را رده بندی کنیم می‌توانیم آنها را طبقه بندی نموده و در قالب جدول زیر نشان دهیم. همان طور که می‌توانید مشاهده کنید بیشتر پاسخ دهندگان گزینه نه موافق و نه مخالف را برگزیده اند.

نمودار ۴-۸: نمودار توزیع فراوانی ریسک‌پذیری



جدول ۴-۸: جدول فراوانی ریسک‌پذیری

ریسک‌پذیری	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	درصد فراوانی نسبی
به هیچ وجه شبیه من نمی‌باشد	۶	۱/۶	۱/۶
وجه شبیه من نمی‌باشد	۷۷	۲۰/۲	۲۱/۸
نظری ندارم	۲۲۱	۵۷/۵	۷۹/۳
گاهی شبیه به من می‌باشد	۷۲	۱۸/۷	۹۸/۰
معمولاً شبیه به من می‌باشد	۴	۰/۲	۱۰۰/۰
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰	

## ۲-۱۴-آماراستنباطی

در این بخش ابتدا با استفاده از آزمون نرمال بودن داده‌های کلوموگروف اسمیرنوف ابتدا نرمال بودن توزیع نمونه مورد مطالعه را مورد بررسی قرار داده و سپس به تناسب برآزش توزیع مزبور از آزمون‌های آماری مناسب جهت آزمون فرضیات تحقیق استفاده می‌نماییم.

- آزمون نرمال بودن توزیع نمونه: محقق به منظور انجام آزمون مزبور از تست K-S یا آزمون کلوموگروف اسمیرنوف استفاده می‌نماید. آزمون کلوموگروف - اسمیرنوف، که به افتخار دو آماردان روسی به نام های ای.ان. کلوموگروف و ان.وی. اسمیرنوف<sup>۲۷</sup> به این نام خوانده می‌شود، روش ناپارامتری ساده ای برای تعیین همگونی اطلاعات تجربی با توزیع های آماری منتخب است (آذر و مؤمنی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۰). فرضیه‌های این آزمون به شکل زیر است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \text{توزیع نمونه مورد مطالعه نرمال است} \\ H_1: \text{توزیع نمونه مورد مطالعه نرمال نیست} \end{array} \right.$$

جدول ۴-۹: نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیرها	سطح معناداری <i>sig</i>
هوش مالی	۰/۹۰۱
بیشتر پول در آوردن	۰/۸۴۶
حفظ پول خود	۰/۲۲۳
بودجه بندی پول خود	۰/۰۶۴
بهبود اطلاعات مالی	۰/۶۴۹
تقویت پول خود	۰/۲۸۵
ریسک پذیری	۰/۰۸۶
تمایل به چالش و تنوع	۰/۰۵۲
تمایل به کارهای یکنواخت و قابل پیش بینی	۰/۳۶۶

همان طور که می توان مشاهده نمود، سطح معناداری کلیه متغیرهای مورد بررسی بیشتر از ۰/۰۵ می باشد فلذا می توان فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ی مورد مطالعه را پذیرفت.

#### - آزمون فرضیات تحقیق : - آزمون فرضیه اصلی

فرضیه اصلی عبارت است از: بین هوش مالی و میزان ریسک پذیری در میان کارکنان شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران رابطه معناداری وجود دارد. از آنجایی که توزیع برازش نمونه‌ی در خصوص همه‌ی متغیرهای مورد بررسی نرمال می باشد، می بایست از آزمون همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه‌ی حاضر و فرضیات آتی استفاده نمود. فرضیه‌ی این آزمون به زبان آماری به شکل زیر است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \rho = 0 \text{ (ارتباط معناداری وجود ندارد)} \\ H_1: \rho \neq 0 \text{ (ارتباط معناداری وجود دارد)} \end{array} \right.$$

جدول ۴-۱۰: ضریب همبستگی بین هوش مالی و ریسک پذیری

ضریب همبستگی	سطح معنادار ی	تعداد
۰/۶۲۳	۰/۰۰۰	۳۸۴

بر اساس جدول فوق می توان گفت هوش مالی و ریسک پذیری دارای رابطه‌ای مثبت می باشند، به طوری که با افزایش هوش مالی، ریسک پذیری به میزان ۰/۶۲۳ واحد افزایش می یابد. همچنین به دلیل اینکه سطح معناداری ۰/۰۰۰ کوچکتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ می باشد، می توان نتیجه گرفت که شواهدی مبنی بر رد فرضیه  $H_1$  مبنی بر وجود ارتباط بین هوش مالی و ریسک پذیری، وجود ندارد. به عبارت دیگر فرضیه  $H_0$  رد می شود و می توان چنین گفت که بین هوش مالی و ریسک پذیری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

- آزمون فرضیه فرعی اول: در تحقیق حاضر فرضیه فرعی اول عبارت است از: بین بیشتر پول در آوردن و میزان ریسک پذیری در میان کارکنان شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه‌ی فوق به زبان آماری عبارت است از:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0 (\rho = 0) \text{ ارتباط معناداری وجود ندارد:} \\ H_1 (\rho \neq 0) \text{ ارتباط معناداری وجود دارد:} \end{array} \right.$$

جدول ۱۱-۴: ضریب همبستگی بین بیشتر پول درآوردن و ریسک‌پذیری

۰/۷۵۸	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۸۴	تعداد

بر اساس جدول فوق می‌توان گفت بیشتر پول درآوردن و ریسک‌پذیری دارای رابطه‌ای مثبت می‌باشند، به طوری که با افزایش قابلیت بیشتر پول درآوردن، ریسک‌پذیری به میزان ۰/۶۲۳ واحد افزایش می‌یابد. همچنین به دلیل اینکه سطح معناداری ۰/۰۰۰ کوچکتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که شواهدی مبنی بر رد فرضیه  $H_1$  مبنی بر وجود ارتباط بین بیشتر پول درآوردن و ریسک‌پذیری، وجود ندارد. به عبارت دیگر فرضیه  $H_0$  رد می‌شود و می‌توان چنین گفت که بین بیشتر پول درآوردن و ریسک‌پذیری رابطه‌ای معناداری وجود دارد.

- آزمون فرضیه فرعی دوم: در این تحقیق فرضیه فرعی دوم عبارت است از: بین حفظ پول خود و میزان ریسک‌پذیری در میان کارکنان شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه‌ی فوق به زبان آماری عبارت است از:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0 (\rho = 0) \text{ ارتباط معناداری وجود ندارد:} \\ H_1 (\rho \neq 0) \text{ ارتباط معناداری وجود دارد:} \end{array} \right.$$

جدول ۱۲-۴: ضریب همبستگی بین قابلیت حفظ پول خود و ریسک‌پذیری

۰/۶۹۰	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۸۴	تعداد

بر اساس جدول فوق می‌توان گفت قابلیت حفظ پول خود و ریسک‌پذیری دارای رابطه‌ای مثبت می‌باشند، به طوری که با افزایش قابلیت حفظ پول خود، ریسک‌پذیری به میزان ۰/۶۹۰ واحد افزایش می‌یابد. همچنین به دلیل اینکه سطح معناداری ۰/۰۰۰ کوچکتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که شواهدی مبنی بر رد فرضیه  $H_1$  مبنی بر وجود ارتباط بین حفظ پول خود و ریسک‌پذیری، وجود ندارد. به عبارت دیگر فرضیه  $H_0$  رد می‌شود و می‌توان چنین گفت که بین حفظ پول خود و ریسک‌پذیری رابطه‌ای معناداری وجود دارد.

- آزمون فرضیه فرعی سوم: در این تحقیق فرضیه فرعی سوم عبارت است از: بین بودجه‌بندی پول خود و میزان ریسک‌پذیری در میان کارکنان شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه‌ی فوق به زبان آماری عبارت است از:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0 (\rho = 0) \text{ ارتباط معناداری وجود ندارد:} \\ H_1 (\rho \neq 0) \text{ ارتباط معناداری وجود دارد:} \end{array} \right.$$

جدول ۱۳-۴: ضریب همبستگی بین بودجه‌بندی پول خود و ریسک‌پذیری

۰/۸۱۴	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۸۴	تعداد

بر اساس جدول فوق می‌توان گفت بودجه‌بندی پول خود و ریسک‌پذیری دارای رابطه‌ای مثبت می‌باشند، به طوری که با افزایش قابلیت بودجه‌بندی پول خود، ریسک‌پذیری به میزان ۰/۶۹۰ واحد افزایش می‌یابد. همچنین به دلیل اینکه سطح معناداری ۰/۰۰۰ کوچکتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که شواهدی مبنی بر رد فرضیه  $H_1$  مبنی بر

وجود ارتباط بین متغیر بودجه‌بندی پول خود و ریسک‌پذیری، وجود ندارد. به عبارت دیگر فرضیه  $H_0$  رد می‌شود و می‌توان چنین گفت که بین بودجه‌بندی پول خود و ریسک‌پذیری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

- آزمون فرضیه فرعی چهارم: در این تحقیق فرضیه فرعی چهارم عبارت است از: آیا بین تقویت پول خود و میزان ریسک‌پذیری در میان کارکنان شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران رابطه معناداری وجود دارد؟ فرضیه‌ی فوق به زبان آماری عبارت است از:

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 \text{ (ارتباط معناداری وجود ندارد)} \\ H_1: \rho \neq 0 \text{ (ارتباط معناداری وجود دارد)} \end{cases}$$

جدول ۴-۱۴: ضریب همبستگی بین تقویت پول خود و ریسک‌پذیری

۰/۷۱۳	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۸۴	تعداد

بر اساس جدول فوق می‌توان گفت قابلیت تقویت پول خود و ریسک‌پذیری دارای رابطه‌ای مثبت می‌باشند، به طوری که با افزایش متغیر تقویت پول خود، ریسک‌پذیری به میزان ۰/۷۱۳ واحد افزایش می‌یابد. همچنین به دلیل اینکه سطح معناداری ۰/۰۰۰ کوچکتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که شواهدی مبنی بر رد فرضیه  $H_1$  مبنی بر وجود ارتباط بین متغیر تقویت پول خود و ریسک‌پذیری، وجود ندارد. به عبارت دیگر فرضیه  $H_0$  رد می‌شود و می‌توان چنین گفت که بین تقویت پول خود و ریسک‌پذیری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

- آزمون فرضیه فرعی پنجم: در این تحقیق فرضیه فرعی پنجم عبارت است از: بین بهبود اطلاعات مالی خود و میزان ریسک‌پذیری در میان کارکنان شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه‌ی فوق به زبان آماری عبارت است از:

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 \text{ (ارتباط معناداری وجود ندارد)} \\ H_1: \rho \neq 0 \text{ (ارتباط معناداری وجود دارد)} \end{cases}$$

جدول ۴-۱۵: ضریب همبستگی بین بهبود اطلاعات مالی خود و ریسک‌پذیری

۰/۸	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۸۴	تعداد

بر اساس جدول فوق می‌توان گفت بهبود اطلاعات مالی خود و ریسک‌پذیری دارای رابطه‌ای مثبت می‌باشند، به طوری که با افزایش متغیر بهبود اطلاعات مالی خود، ریسک‌پذیری به میزان ۰/۸ واحد افزایش می‌یابد. همچنین به دلیل اینکه سطح معناداری ۰/۰۰۰ کوچکتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که شواهدی مبنی بر رد فرضیه  $H_1$  مبنی بر وجود ارتباط بین متغیر بهبود اطلاعات مالی خود و ریسک‌پذیری، وجود ندارد. به عبارت دیگر فرضیه  $H_0$  رد می‌شود و می‌توان چنین گفت که بین بهبود اطلاعات مالی خود و ریسک‌پذیری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

#### ۱۵- بحث و نتیجه‌گیری:

در ادامه فرآیند تحقیق، محقق از میان جامعه‌ی آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای اقدام به نمونه‌گیری نمود. براین اساس نمونه‌ای ۳۸۴ عضوی از میان جامعه‌ی آماری از میان کارکنان شرکت راه آهن جمهوری اسلامی انتخاب گردیدند. همچنین به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی هوش مالی پرسشنامه‌ی استاندارد ریسک‌پذیری فاینالی پائول (۲۰۰۰) استفاده گردید. لازم به ذکر است که، محقق استاندارد بودن ابزارهای مزبور را مورد بررسی قرار داده و روایی و پایایی آنها را با استفاده از روش‌های مناسب مورد آزمون و نهایتاً تأیید قرار داد. در مرحله‌ی تجزیه و تحلیل

نیز ابتدا با استفاده از آزمون کلوموگروف اسمیرنوف نیکویی برآزش توزیع نمونه‌ی انتخابی مورد آزمون واقع گردید. پس از مشخص شدن نوع توزیع، آزمون‌های متناسب با آن انتخاب و فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند. با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون (به فراخور توزیع نمونه)، شواهدی برای رد فرضیات تحقیق مشاهده نگردید که در ادامه به نتایج آزمون آنها اشاره خواهد شد.

#### ۱۶-پیشنهاداتی برای محققین آتی:

۱. در پژوهش پیش رو محقق مدل هوش مالی رابرت کیوساکی (۲۰۰۸) مبنای طرح پژوهش خود قرار داد. پیشنهاد می شود به منظور آزمون وجود روابط مطرح در این پژوهش از سایر مدل های مطرح در این حوزه استفاده گردد.
۲. در پژوهش حاضر فقط رابطه‌ی هوش مالی و ریسک‌پذیری مورد سنجش واقع شد. پیشنهاد می گردد تأثیر سایر متغیرها از قبیل ریسک‌گریزی، تجربه، میزان موفقیت در تصمیم‌گیری و ... در چنین تحقیقی تحت عناوینی چون متغیرهای مداخله گر و یا میانجی مورد بررسی قرار گیرند.
۳. این پژوهش در جامعه‌آماري محدودی صورت پذیرفت. جامعه آماری این تحقیق چیزی بالغ بر ۳۸۴ نفر می باشد. پیشنهاد میگرددچنین پژوهشی در ابعاد وسیع و گسترده تر صورت پذیرد تا وجود رابطه‌هوش مالی و ریسک‌پذیری قابلیت تعمیم بیشتری یابد.
۴. پیشنهاد می‌گردد طی تحقیقی، رابطه‌ی هوش مالی و میزان موفقیت در تصمیم‌گیری مالی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.
۵. پیشنهاد می‌گردد به منظور بررسی تأثیر هوش مالی بر میزان افزایش ثروت شرکت، تأثیر آن در بازه‌ی زمانی مشخص، در غالب تحقیقی کتابخانه‌ای و با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

#### Reference

- 1 - Allahyar, Iman, (1391) investigate the relationship between competitive intelligence, management and development of small industries in the industrial town city malayer, unpublished MA thesis, University malayer, Faculty of Humanities.
- 2 - Asadsamany, Mahmoud, (1384), Risk Management Standard (2), Insurance Development , No. 2, pp. 1625.
- 3-Ayllon, T. andAzrin, N. (1968). The Token Economy. New York: Appleton Century-Confits.
- 4-Bellack, A. andHersen, M. (1980), Introduction to Clinical Psychology. Oxford: Oxford University Press.
- 5 – Danaee fard , Hasan., Alvani seyd Mehdi and Azar, Adel., (1391), quantitative research methodology in management: a comprehensive approach, Tehran, Press Saffar, Sixth Edition.
- ۶-Eysenck, M. andEysenck, M. (1982), Effects of Incentive on Cued Recall. Quarterly Journal of Eperimental Psychology, 34.8-191.
- 7 - Frnham, Adrian and Argayl, Michael, (1384), The Psychology of Money, translated by SHahla Yasaei, Tehran, Press Javaneh Roshd, printing.
- 7-Furnham, A. and Bochner, S. (1996). Culture Shock. London: Methuen
- 8 - Jones, Charles. P., (1389), investment management, translation and Reza Tehrani and Asghar Nourbakhsh, Tehran, publisher at school, sixth edition.
- 9-Kiosaki, Robert, 2008, "Rich dad's increase your financial IO: get smarter with your money, Borjsazjavan, Cetus, second edition. (Persian).
- 10 - Latifi Fariba., (1369), Risk and risk taking (a report of an investigation), Tadbir, No. 10, pp. 2022.
- 11-Menkhoff, L. Schmidt, U. and Brozynski, T.(2006),” The Impact of Experience on RiskTaking, Overconfidence and Herding of Fund Managers: Complementary Survey Evidence”, European Economic Review, No.50, Pp: 1753-1766.
- 12 - Mirfeizi Lyalstany Falah Shams, Hassan Ghalibaf Samira Asle Sarabi Noubakht., 1389, The effect of experience on risk taking, more reliable, and mass behavior management investment companies in Tehran Stock Exchange, Stock Exchange Quarterly, No. 12, Winter 1389, the third year, 2542, p.
- 13-Robbins, Stephen p. (2005).Organizational Behavior. New Delhi: Prentice Hall of India.